خبر

نشر نون اولین رمان لیلا راهدار را منتشر کرد
«پری‌ماه» با اقلیم جنوبی

گروه فرهنگ و هنر - اولین رمان لیلا راهدار در سی و یکمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه خواهد شد. این رمان که عنوان «پری ماه» را بر روی جلد خواهد داشت داستانی است که بر پایه اقلیم شکل گرفته و با روایتی پرکشش مخاطب را در هزارتوی ماجرای زندگی یک دختر جنوبی همراه می‌کند. ویژگی اصلی این رمان حضور و وجود عناصر پررنگ اقلیمی از باورها و فرهنگ عامه گرفته تا زندگی روزمره‌ی مردمان امروز است و با نثری پخته نوید حضور جدی لیلا راهدار را در عرصه رمان‌نویسی ایران می‌دهد.

لیلا راهدار کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دارد وسال‌هاست که در عرصه‌ی داستان‌نویسی فعال است. پیش از این از او یک مجموعه داستان با عنوان «جاده فرودگاه» نیز منتشر شده که به مرحله‌ی نهایی جایزه ادبی شیراز راه یافته است. داستان‌های زیادی نیز از او در مجموعه داستان‌های گروهی مانند باغ فتح‌آباد و ابرهای خاکخورده و نشریات منتشر شده است.

«پری‌ماه» به تازگی مجوز انتشار گرفته است و توسط نشرنون در نمایشگاه کتاب تهران از ۱۲ تا ۲۲ اردیبهشت ماه سال جاری که در مصلی برگزار می‌شود، عرضه خواهد شد.

محمد رضا ذوالعلی برگزیده مهرگان ادب؛
«افغانی کشی» باید زودتر مطرح می‌شد

رضا شمسی

از زمانی که محمد رضا ذوالعلی رمان بلوار پارادیس را منتشر کرد، او را «یک نویسنده‌ی خوش آتیه» معرفی کردم و اکنون خوشحالم که پیش‌بینی ام به وقوع پیوسته.

همانطور که بسیاری می‌دانید و در خبری که در همین صفحه منتشر شده نیز، مندرج است؛ از رمان افغانی‌کشی اثر این نویسنده‌ی کرمانی که در کنار ۶ رمان به مرحله‌ی نهایی راه یافته بود، در اعلام نتایج نهایی تقدیر شد. به همین مناسبت در آخرین ساعات طراحی این صفحات گفت‌وگوی کوتاهی با ذوالعلی انجام دادم که دعوت می‌کنم آن را بخوانید.

قبل از هر چیز دوست دارم بدانم آیا خود شما در ارسال رمان «افغانی کشی» به جایزه مهرگان ادب نقش داشتید، یا ناشر به این کار اقدام کرد؟

نه، من خبری نداشتم. اصولا در جریان اخبار جشنواره‌ها نیستم. تنها یکبار در یک جشنواره شرکت کردم و بلافاصله بعد هم پشیمان شدم. بنابراین قطع به یقین نشر پیدایش خودش کتاب را به دبیرخانه مهرگان ارسال کرده است. تا قبل از اینکه جزو بیست اثر منتخب معرفی شود، اصلا خبر نداشتم و برایم مهم هم نبود. اما وقتی خبر شدم و بازخوردها را دیدم. دور بعد جشنواره برام مهم شد و دیگر دوست داشتم جزو هفت انتخاب بعدی باشد و اگر بین این هفت اثر معرفی نمی شد، ناراحت می‌شدم. بهرحال رقابت و برنده شدن، برایم جذاب است و کیست که از باخت خوشش بیاید؟

آیا خود شما پیش‌بینی می‌کردید که این کتاب برگزیده اعلام بشود؟

راجع بهش فکر نکرده بودم. طبعا حرف و حدیث پشت سر جشنوارها خیلی هست که چنین و چنان هستند! و مجموع اینها باعث می‌شود منی که ارتباط و لابی درست و حسابی ندارم و ناشرم هم جزو ازمابهتران نبوده، شانسی قایل نبودم برای خودم.

به نظر خودتان فکر می‌کنید چه شاخصه‌ای در رمان‌تان موجب جلب نظر داوران شده؟

به گمان من افغانی کشی قصه درست و درمونی دارد، پیرنگ و ساختارش محکم و جالب است و موضوعی بروز دارد. به نظر من در این چندسال اخیر بیشتر داستان‌های ایرانی به‌قدری به سمت کمرنگ شدن قصه و شخصی‌نویسی و غرغرهای روشنفکری رفته که به قول معروف: دیگر خان هم متوجه شوری آش شده، من فکر می‌کنم در این شرایط، یک رمان با قصه‌ای پرتعلیق نمود پیدا می‌کند.

اگر در دوره‌های مقدماتی، افغانی کشی بین آثار برگزیده اعلام نمی‌شد، چه حسی داشتی؟

تا قبل از اینکه جزو بیست اثر منتخب معرفی شود، اصلا خبر نداشتم و برایم مهم هم نبود. اما وقتی خبر شدم و بازخوردها را دیدم. دور بعد جشنواره برام مهم شد و دیگر دوست داشتم جزو هفت انتخاب بعدی باشد و اگر بین این هفت اثر معرفی نمی شد، ناراحت می‌شدم. بهرحال رقابت و برنده شدن، برایم جذاب است و کیست که از باخت خوشش بیاید؟

بپرسم که آیا بلوار پارادیس هم به غیر از کتاب سال استان کرمان به هیچ جایزه‌ی دیگری ارسال شده بود که قضاوت بشود؟

واقعا نمیدانم، و نمی‌دانم هم که آیا نشرنون بلوار پارادیس را برای هیچ جشنواره ی فرستاده بود یا خیر؛ من نپرسیدم، آنها هم چیزی نگفتن.

و اگر بپرسم : به طور کلی نظرتان درباره جوایز ادبی چیست، چه پاسخی دارید؟

جشنواره‌ها بودشان به از نبودشان است. خصوصا برای نویسندگان کمتر شناخته شده، گرچه شاید اعمال نفوذها و رابطه‌ها از سلامت آنها کم کند که به‌هرحال خاص داستان هم نیست و همه‌ی جشنواره‌ها را آلوده کرده.

الان که از رمان‌تان نقدیر شده است، چه حسی دارید؟

وقتی انتخاب اول نباشد، دیگر برایم زیاد جذاب نیست. یعنی حال خوبی بهم نمی‌دهد، گرچه همین هم عالی است و باعث خواهد شد تا کتاب مطرح و دیده بشود؛ چیزی که معتقدم باید زودتر رخ می‌داد.

می‌خواهم این سوال را هم

هیات داوران جشنواره مهرگان ادب از رمان افغانی کشی تقدیر کرد

گروه فرهنگ و هنر - عصر دیروز جمعه، هفتم اردیبهشت ماه مراسم پایانی دوره‌های هفدهم و هجدهم مهرگان ادب برگزار شد و هیأت داوران در این مراسم از میان ۷ اثر راه یافته به مرحله نهایی برندگان نهایی جایزه مهرگان ادب بخش رمان را برگزیده است.

بنابر اعلام داوران این جایزه ادبی، رمان قاسم کشکولی به عنوان بهترین رمان فارسی معرفی گشت و از چند اثر داستانی دیگر از جمله «افغانی‌کشی» نوشته‌ی محمد رضا ذوالعلی، نویسنده‌ی کرمانی تقدیر شد.

انتخاب داوران این جشنواره به شرح زیر است:

در بخش رمان، با اکثریت آرا رمان این سگ میخواهد رکسانا را بخورد نوشته قاسم کشکولی از نشر بوتیمار برگزیده شد. رمان کوچه ابرهای گمشده نوشته زنده یاد کورش اسدی از نشر نیماژ به عنوان نخستین رمان تحسین شده هیأت داوران انتخاب و شایسته دریافت تندیس مهرگان ادب، جایزه نقدی و لوح تقدیر دانسته شد. رمان فراموشی نوشته جواد پویان از نشر نیلوفر به عنوان دومین رمان تحسین شده هیأت داوران شایسته دریافت لوح تقدیر مهرگان ادب دانسته شد. رمان گلوگاه نوشته طیبه گوهری از نشر صدای معاصر و نیز رمان افغان کشی نوشته محمدرضا ذوالعلی از نشر پیدایش را به عنوان رمان‌های تقدیرشده جایزه مهرگان ادب انتخاب کرده و شایسته دریافت لوح تقدیر مهرگان ادب می‌داند.

هیات داوران دلیل انتخاب خود برای تقدیر از افغانی کشی را به این شکل توضیح می‌دهد: «به دلیل کاربست صحیح توصیف، شخصیت‌پردازی دقیق و به کارگیری گویشی محلی، فضاسازی خوب در داستانی رویدادمحور و پرداختن به موضوعی بکر و مسایل مغفول مانده مهاجران.»

آخرین تالیف محمد علی علومی در سی‌ودومین نشست «یک مولف کتاب» بررسی شد
رازهای ۱۰۰۱شب درقصه اساطیر

گروه فرهنگ و هنر - سی‌ودومین نشست یک مولف یک کتاب با حضور دکتر امیرکاووس بالازاده و یوسف علیخانی و جمع قابل توجهی از مخاطبان ادبیات معاصر در استان تشکیل شد تا به نقد و بررسی «قصه اساطیر» آخرین تالیف محمد علی علومی بپردازد.

این نشست ادبی که قدیم‌ترین نشست رسمی و اختصاصی نقد و بررسی تالیفات شعری و داستانی مولفان کرمانی به حساب می‌آید، اکنون به دلیل ممارست به جایگاهی ثابت و موثر در ادبیات معاصر کرمان دست یافته و از همین رو شایسته است تا اهل نقد و نظر با دقت بیشتری فعالیت‌های این نشست ادبی را رصد کنند.

نگارنده‌ی این سطور در این مجال بر آن نیست تا به نقد جلسه‌ی مذکور بپردازد و آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارد؛ عجالتا اما قصد آن دارد تا نکته‌ای را با دوستان شاعر، نویسنده و منتقد خود مطرح کند و بگوید:

نشست یک مولف یک کتاب، عنوان فرعی «جلسه نقد و بررسی» را یدک می‌کشد و با همین سیاست از صاحب‌نظران و منتقدان کشور و استان برای نقد آثار دعوت می‌کند. پس بر ذمه‌ی همه‌ی آنها می‌باشد که نقد و نظر خود را صریح و حرفه‌ای مطرح کنند و از حرف‌های کلی و تعارفات بی‌مورد بپرهیزند و به‌خود یادآوری کنند که نشست «یک مولف یک کتاب» یک جلسه‌ی دورهمی نیست؛ بنابراین بایسته‌تر آن است که اهل ادبیات، وجه حرفه‌ای و تخصصی آن را برای خود پررنگ‌تر بخواهند واز این طریق شاهد تاثیرگذاری این نشست بر جریان‌سازی ادبی در استان باشند، و این نتیجه حاصل نخواهد شد جز با تقید اهل نقد و نظر به این مهم.

به هر شکل، در سی‌ودمین نشست یک مولف یک کتاب، قصه‌ی اساطیر بررسی شد و همانطور که به آن اشاره شد، دکتر کاووس بالازاده و یوسف علیخانی درباره‌ی این اثر حرف زدند و علیخانی عنوان کرد: «قصه اساطیر» هزار و یکشب را خواندنی می‌کند

محمد علی علومی نیز در این جلسه بخشی از نقطه‌نظرات خود را ارائه کرد که در همین صفحه چکیده‌ای از سخنان این عزیزان را می‌خوانید.

مطلب مرتبط

امیرکاووس بالازاده در نشست نقد و بررسی قصه اساطیر:
ادبیات غرب وامدار «هزار و یک‌شب» است

گروه فرهنگ و هنر - دکتر امیر کاووس بالازاده در ابتدای سخنان خود در نشست نقد و بررسی «قصه اساطیر» این کتاب را محصول و نشان دهنده‌ی سال‌ها زحمت می‌داند و می‌گوید: «نکته‌ی جالب در این کتاب این است که هم از قصه‌های هزار و یکشب در آن استفاده شده و هم از قصه‌های عامیانه.»

او با بیان این نکته که ادامه می‌دهد: «هزار و یک شب، کتابی است که به قول ابراهیم اقلیدی، ماهواره شرق است و از فراز مرزها فرهنگ شرق را منتقل کرده است و همانطور که محمد علی علومی در قصه اساطیر ذکر کرده نویسندگان بزرگی چون بورخس را تحت تاثیر قرار داده است.»

بالا زاده در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه آقای علومی از زاویه اسطوره به کتاب پرداخته و به اساطیری مانند اساطیر زروانی نیز اشاره کرده، بیان می‌دارد: «به نظر من این اشاره‌ها، همه اشاره‌های نابی است که باید به آنها دقت کنیم.»

نویسنده کتاب «مهر و داد و بهار» اشاره‌های علومی به مانی و جستجوی رد پای مانویت در افسانه‌ها را نمونه‌ای از همان اشاره‌های ناب می‌داند و معتقد است: «مانوی‌ها داستان‌های تمثیلی بسیار زیادی دارند که از زاویه دید تمثیلی و رمزی قابل تامل است.»

او با تاکید بر این نکته که بررسی افسانه‌های عامیانه از دید اساطیری جای کار بسیار دارد، ادامه می‌دهد: «علومی به نکته‌ی جالبی در کتابش اشاره می کند، مبنی بر اینکه تمثیلات و قصه‌های برخاسته از اندیشه‌های مانوی در هزار و یک شب، به یک اقیانوس زاینده تبدیل شده است؛ آنچنانکه به اعتقاد بعضی از صاحب‌نظران این کتاب تمام ناشدنی است و همواره قابلیت ادامه یافتن داشته است.»

نویسنده قصه اساطیر منابع زیادی را مطالعه کرده

این روزنامه‌نگار قصه اساطیر را از خیلی جهات دیگر نیز قابل بحث می‌داند و اظهار می‌دارد: «وام گیری از زبان و وام‌دهی به زبان فارسی یکی از این جهات است.»

او استفاده محمد علی علومی از منابع متعدد را قابل توجه می‌داند و اظهار می‌دارد:«یکی از ایرادات کتاب هم این است که در فهرست منابع فقط به نام کتاب‌ها اکتفا شده و مواردی مانند اسم مولف، ناشر و سال و نوبت چاپ ذکر نشده است.»

نویسنده کتاب «جنگ، نمایش، اسطوره» معتقد است: «محمد علی علومی در کتابش با دقت بسیاری نشان داده که همه‌ی قصه‌هایی که ما می‌خوانیم قصه‌های سمبلیک هستند و ما باید این قصه‌ها را رمزگشایی کنیم.»

او به صدها جلد کتابی که راجع به فرهنگ کرمان و فرهنگ موجود است اشاره می‌کند و می‌گوید: «شخصا در حدود ۲۵ جلد کتاب در مورد فرهنگ عامیانه کرمان دارم و در جریان هستم که فقط مرکز کرمانشناسی چند ده جلد کتاب در حوزه‌ی زبان، فرهنگ و فرهنگ عامه مردم منتشر کرده که همه با ارزش هستند.»

او ادامه می‌دهد: «در این بین کاری که آقای علومی انجام داده کمی شمول بیشتری دارد چرا که او بیشتر آثار مذکور را دیده و پس از مطالعه‌ی آنها از منظر خودش به آنها نگاه کرده و داستان‌ها را دسته بندی وبررسی کرده و کوشیده رمزهای این قصه ها را بگشاید.»

دکتر بالا زاده تاکید می‌کند که ممکن است دربسیاری موارد با نویسنده قصه اساطیر اختلاف سلیقه و نظر داشته باشد و اظهار می‌دارد: «هیچ کاری از اشتباه بری نیست اما گردآوری اثری در این حجم بالا همت بلندی می‌خواهد که آقای علومی به‌خرج داده است و صمیمانه آرزو می‌کنم که این کار را ادامه دهند تا کسانی که مطالعات قصه شناسی می‌کنند، از آن استفاده کنند.»

گرد آورنده «پسر شهرزاد» بر تمایز اسطوره و افسانه تاکید می‌کند و می‌گوید: «زمان در اسطوره بی‌کران و در افسانه، کران‌مند است.»

او معتقد است: «کاری که نویسنده‌ی قصه اساطیر انجام داده، قصه شناسی‌ای است که به ما کمک می‌کند تا نکاتی را از وجود خودمان بشناسیم که قبل از این کشف نشده بوده.»

گفتنی است، دکتر امیر کاووس بالازاده متولد ۱۳۳۷ در گنبد گاووس می‌باشد و فعالیت روزنامه نگاری را از سال ۱۳۶۲ در روزنامه اطلاعات آغاز کرده و هم‌اکنون عضو هیات علمی گروه نمایش دانشکده ی هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز است. او تا کنون چندین بار به کرمان سفر کرده است.

مطلب مرتبط

نویسنده قصه اساطیر در نشست یک مولف یک کتاب:
شناخت ما از اسطوره متحول می‌شود

گروه فرهنگ و هنر - محمد علی علومی در ابتدای سخنان خود ضمن تشکر از برگزار کنندگان سلسله نشست‌های یک مولف یک کتاب و میهمانان و حاضران در این جلسه این بیت را می‌خواند: «شاعر نیم و شعر ندانم که چه باشد، من مرثیه گوی دل دیوانه خویشم.»

او که خویش را چون بسیاری دیگر از نویسندگان از زمره‌ی انسان‌های احساسی برمی‌شمرد، معتقد است: «یکی از خوبی‌های نشست یک مولف یک کتاب این است که در آن امکانی فراهم می‌شود که انسان دوست‌های خوب و فرهیخته‌ی خود را ببیند.»

نویسنده و گردآورنده «قصه اساطیر» با اشاره به چالش گرانی کاغذ و بحران مطالعه در کشور، مخاطبان احتمالی کتاب خود را می‌ستاید.

این نویسنده‌ی نام آشنای کشور بحث اصلی و رویکرد کتاب اخیر خود را تطبیق، بررسی و تحلیل افسانه‌های ایرانی با مبانی اساطیری می‌داند و می‌گوید:

«از هزار افسان دوران هخامنشیان و اشکانیان که منبع اصلی قصه‌های هزار و یکشب قرار گرفت تا افسانه‌های رایج در فرهنگ مردم همه مبانی اسطوره‌های قدرتمند و موثر دوران خود را بیان می‌کنند.»

از نظر من افسانه‌ها پایه‌ی اساطیر بوده‌اند

نویسنده‌ی «پریباد» بر رابطه‌ی پیچیده‌ی بین افسانه و اسطوره تاکید می‌کند و بیان می‌دارد: «پایه‌ی اساطیر از نظر من افسانه‌ها بوده‌اند.»

او افسانه‌های ایرانی را با فرهنگ‌های متعدد در تعامل می‌داند و از باب مثال می‌گوید: «زمانی که ما با مصری‌ها یا یونانی‌ها آشنا می‌شویم، با آداب ورسوم‌شان آشنا می شویم و از آنها در افسانه‌ها و اسطوره های خود بهره می‌بریم.»

این نویسنده‌ی بمی ادامه می‌دهد: «برای این مدعای خود در کتابم به شکل مفصل دلیل آورده‌ام و با مقایسه‌ی داستان‌ها توضیح داده‌ام که قصه‌ها تا چه اندازه نشانه‌ها را حتی در جزئیات حفظ کرده‌اند.»

او با بیان این نکته که اژدهاکشی از خصایص قهرمان‌ها و پهلوان‌های ایرانی است، این پرسش را مطر می‌کند که:

پس چرا در قصه‌ی «دختر نارنج و ترنج» مار (یا همان اژدها) را محبوب می‌بینیم؟

نویسنده‌ی سوگ مغان می‌گوید:«باید این چالش‌ها مطرح شوند.»

او معتقد است: «دیدگاه‌های خوانش افسانه‌های کهن با مطالعه و ارائه‌ی نظریات جدید متحول می‌شوند و شناخت از اسطوره‌ها شکل نوینی به خود خواهد گرفت.»

این نویسنده‌ی نام‌آشنا دلیل نوشتن قصه اساطیر را علاقه به قصه و قصه‌نویسی می‌داند و اظهار می‌دارد:

«بهره‌گیری از اسطوره‌ها و افسانه‌های کهن در ادبیات داستانی جدید یک سرمایه‌ی بزرگ برای ما است.»

او می‌افزاید: «ما شایستگی این را داریم که خیلی بیشتر از آمریکای لاتینی‌ها که اوج تمدن‌شان مربوط به اینکاها است، که در مقابل تمدن باستانی ما بسیار متاخر و جوان به حساب می‌آید، از اسطوره‌ها و قصه‌های قدیم‌مان در ادبیات معاصرمان استفاده کنیم.»

محمد علی علومی با اظهار این نکته که این تالیف در حدود ۸ سال زمان از وی گرفته، بیان می‌دارد که مباحثی از این دست برای اولین بار است که در این حجم عرضه می‌شود و با بیان شوخ‌طبعانه‌ی خود می‌گوید: «به عنوان یک بچه بمی جرات این کار را داشته‌ام!»

علومی در بخش پایانی سخنانش از دوستان فرهیخته‌ی خود دعوت می‌کند که قصه اساطیر را از زاویه دید خود نقد و بررسی کنند و به حاضران در جلسه توصیه می‌کند داستان‌های نویسندگانی مانند محیی کرمانی و محمد شریفی نعمت آباد را که در داستان‌های خود از پیشینه‌های اسطوره‌ای استفاده کرده‌اند، بخوانند.

گفتنی است، محمدعلی علومی، متولد ۱۳۴۰ شهر باستانی بم، نویسنده، پژوهشگر و طنزپرداز معاصر ایرانی است که رمان‌های متعددی از جمله پریباد، سوگ مغان، آذرستان، ظلمات را از او خوانده‌ایم و آخرین اثر چاپ شده‌ی او «قصه اساطیر» نام دارد که مرور و بررسی داستان‌های هزار و یکشب در کنار اساطیر کهن ایرانی و چند افسانه‌ی قدیم کرمانی است. قصه اساطیر را نشر آموت منتشر کرده است.

مطلب مرتبط

مدیر نشر آموت در نشست نقد و بررسی قصه اساطیر:
جمع سلایق مختلف در سرچشمه ممکن شده است

گروه فرهنگ و هنر - یوسف علیخانی در آغاز سخنان خود از نشست یک مولف یک کتاب به عنوان یک مکان ادبی منحصر به فرد یاد می‌کند که توانسته طیف‌های مختلف نویسندگان و شاعران استان را زیر یک سقف گرد هم آورد و نقش سیدعلی میرافضلی و شخصیت آرام او را در ایجاد این فضا بسیار مهم ارزیابی می‌کند و او و همکارانش را تحسین می‌کند که توانسته‌اند به همه‌ی طیف‌های ادبی توجه کنند و جمع اختلافات ادبی را در سرچشمه ممکن نمایند.»

او می‌گوید: «در سال‌های اخیر در ایران، کمتر جلسه‌ای را دیده‌ام که مثل جلسه‌ی امروز تا این اندازه شلوغ باشد.»

مدیر نشر آموت با تاکید بر این نکته که قصه اساطیر، می‌تواند راهنمای خیلی خوبی برای هزار و یکشب خوانی محسوب شود، می‌گوید: «پیش‌بینی می‌کنم این کتاب یکی از پر مخاطب‌ترین آثار علومی و پرخواننده‌ترین‌های نشر آموت خواهد شد.»

علومی از سفر به جهان اساطیر دست پر برگشت

او در ادامه‌ی سخنان خود متن کوتاه مکتوبی را می‌خواند که با «یکی بود یکی نبود، یه پسری بود به اسم مَدعلی» آغاز می‌شود و در بخش دیگری از آن آمده است:

«حالا حکایت محمدعلی علومی است. آدمی اسطوره‌ای که قدم به راه می‌گذارد و بعد از گذشتن از سرزمین‌های ناشناخته، دست پر برمی‌گردد. علومی دنبال آب حیات می‌رود و هر بار گزارشی می‌دهد از این سفرهایش.»

علیخانی در قسمت دیگری از متنی که می‌خواند به قصه اساطیر اشاره می‌کند و در توضیح آن می‌افزاید: «کنکاشی در دل هزار و یک‌شب و نگاهی به قصه‌های مردم براساس مبانی اسطوره‌ها. همان اول کار هم پیداست این سرگشتگی هشت‌ساله‌اش که او از سرزمین قصه‌گویان است و داستان‌نویسان و شهرزادیان.

علومی چون پیشینیان، از این‌ندیم گرفته تا حکمت، از مسعودی گرفته تا بورخس، درگیر بازخوانی و رمزشناسی هزاراقسان و هزار و یک‌شب و هزار خرافه است.»

این نویسنده‌ی پرکار کشور ادامه می‌دهد: «در روزگاری که به لطف ناشران، هزاران جلد هزار و یک‌شب برای سرگرمی روانه بازار کتاب شده و همچنان بهترین تحقیق بر این کتاب نامیرا، تحقیق علی‌اصغر حکمت و جلال ستاری است، محمدعلی علومی، چراغ‌قوه‌ای می‌اندازد بر دنیای غافلان که هزارویکشب فقط سرگرمی نیست و باز تاکید می‌کند با وجود این‌همه انتشار، چند نفر هزارویک‌شب را یک‌بار به طور کامل خوانده‌اند؛ خاصه نویسندگان و شاعران و هنرمندان و اهل تحقیق.»

۲ کتاب را در ۱ مجلد می‌خوانیم

او در مقام ناشر در توضیح قصه‌ی اساطیر می‌گوید:«این اثر دو کتاب در یک مجلد است. اول: تحلیل و بررسی هزار و یک‌شب و دوم: قصه‌های ایرانی و مبانی اساطیری. علومی در کتاب اول که یک‌چهارم قصه‌ی اساطیر است یعنی دویست صفحه به این مباحث می‌پردازد: توضیحی بر هزار و یک‌شب، ورود به جهان هزار و یک‌شب، تحلیل و بررسی داستان‌های هزار و یک‌شب، هزار و یک‌شب و حکمت قدیم، بیان رمزها در صیاد و عفریت هزار و یک‌شب، حکمت خسروانی و مکتب هرمسی در هزار و یک‌شب، شناخت شهرزاد در هزار و یک‌شب، یادداشت‌هایی درباره‌ی هزار و یک‌شب و افسانه‌های ایرانی و چند مقاله درباره‌ی طنز در هزار و یک‌شب.»

این روزنامه‌نگار گزارش می‌دهد که محمدعلی علومی در کتاب دوم به بررسی قصه‌های ایرانی و مبانی اساطیری می‌پردازد و در این بخش قصه‌های دختر نارنج و ترنج، نگار، مرجان، میز مرجان مست و خمار، فاطیکو و سبزقبا، دختر سلطان، درخت شاه‌توت، ابراهیم و پی‌سوز، دختر کفش طلا، دایه پوستین‌پوش، دختر خون‌برفی، بلبل سرگشته و عمه گرگی را به مخاطب خود عرضه می‌دارد.»

علیخانی می‌گوید:«کتب پنج پیوست هم دارد که در کنار منابع و فرهنگ‌اعلام، پایان‌بخش این سفر محمدعلی علومی به دنیای اساطیر است.»

گفتنی است یوسف علیخانی متولد ۱۳۵۴ نویسنده، نمترجم و روزنامه‌نگاری است که مدیریت نشر آموت را نیز بر عهده دارد و بیشتر فعالیت سال‌های اخیرش را به خود اختصاص داده است. علیخانی فارغ‌التحصیل کارشناسی رشته زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران است.